



۲۰۱۹/۰۱/۱۸

نویسنده: محمدرضا کائینی

کوروش شناسی

کوروش نامه ارسال دیدگاه 382 بازدید

یک

منطقه ما تاریخی دارد به درازای شش هزار سال و به قول بعضی هشت هزار سال. در این مدت اینجا و آنجا پادشاهانی خرد و بزرگ در نواحی مختلف این مناطق آمده‌اند با خصال خوب و بد که مدتی خویش را در محدوده های کوچک و بزرگ بر مردمان این دیار تحمیل کرده‌اند و رفته‌اند. تمام سخن این‌جاست که زمانه و کارنامه آنان را باید در روایتی منطقی خود ما جستجو کرد نه در روایت بیگانه ساخته و بیگانه نگاشته.



دو

از میانه این عده از حکمرانان خوب یا بد، از صد و ند سال پیش، فقط نام **کوروش** است که بسی برجسته گشته است.

درباره‌ی او جز چند سنگ نبشته و نیز تاریخ‌نگاری‌های **یونانی** و ایضاً پروپاگاندای **یهودی**، چیزی در دست نیست. اساساً بر اساس کدامین نقل و روایت منطقی خود ما، باید او را بر دیگران ترجیح داد؟ وانگهی گزارش صحیح و موثق درباره‌ی او و همگانیش، در کجا آمده که بتواند راه را برای مقایسه و ترجیح ما باز کند؟

سه

دو کوروش، دیروزه و امروزه

گفتیم که **کوروش‌نگاری** از تاریخ‌نگاری یونانی و به طور مشخص **هرودوت** آغاز گشته. هرودوت در توصیف کوروش، بسا صفات منفی را بدو نسبت می‌دهد و چهره‌ای که از او می‌سازد، به هیچ روی چهره‌ای منزّه نیست. دیگر تاریخ‌نویسان یونانی نیز، کم و بیش همین راه را پیموده‌اند. پرسش این‌جاست که چرا تاریخ‌نگاری جماعتی که همواره در ستیز با این منطقه باستان بوده‌اند، این‌گونه نزد ما جدی و موثق قلمداد می‌شود؟!

چهار

دیگر جماعتی که بسیار سنگ **کوروش** را به سینه زده‌اند، یهودیانند. قومی که از پیامدهای **فتح بابل** توسط وی منتفع گشته‌اند. صرف نظر از راست و دروغ داستان **کوروش** با این نحلّه، آنان انگیزه داشته‌اند که به‌خاطر این شهرت تاریخی، هست و نیست منطقه را به **کوروش** گره بزنند. کاری که تا هم‌اینک نیز اندیشکده‌ها و رسانه‌های ایشان بدان مشغولند. اگر آنان در راستای منافع تاریخی و تبلیغی خویش بدین کار مؤظف شده‌اند، چرا ما باید با آنان هم‌داستان شویم؟

پنج

همان‌گونه که اشارت رفت، در حافظه‌ی تاریخی ایرانیان، هیچ‌گاه **کوروش** به‌مثابه پدر یا سلسله‌جنبان تاریخ کشورشان مطرح نبوده است. **مسعودی** و **ابن حمدون** هرچه از مردمان این دیار درباره‌ی پیشینه‌ی خویش پرسیدند، به چنین نامی بر نخوردند. **فردوسی** نیز که استاد اسطوره‌سازی است، هیچ‌گاه او را در سندی ندیده و نشناخته است تا از او به اضعاف مضاعف بزرگ کند. از دو قرن پیش به ماقبل نیز، هیچ‌کس به‌یاد نمی‌آورد که در نیاکان و اطراف خویش، کسی به **کوروش** نامیده شده باشد. **کوروش** حتی اگر واقعی هم باشد، با مختصاتی که در دوی صد سال اخیر بدان منضم گشته، پدیده‌ای کاملاً نوین است.

شش

این همه نگفتیم تا وجود **کوروش** را انکار کنیم، بل خواستیم راه پر پیچ و خمی که اثبات این پدیده پیش روی دارد را بنمایانیم. زیست **کوروش** اگر تاریخی داشته باشد، پرورش مجدد او در دو سده اخیر، ماجرای بس خواندنی‌تر یافته است.

هفت

برخی، حفاری‌های دو سده اخیر و یافت شدن پاره‌های سنگ نبشته‌ها را، شاهی بر وجود سرسلسله **هخامنشیان** گرفته‌اند. هرچند که در ترجمه‌ی همین موارد از جمله **منشور کوروش** نیز، اختلاف وجود دارد و عده‌ای مدلول این لوحه را با آنچه تبلیغ شده متفاوت می‌دانند، اما پرسش این‌جاست که ظرفیت اثبات تاریخ از این طریق، بدون وجود دیگر شواهد تاریخی، تا

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزي بني پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

چه میزان است؟ به عبارت دیگر وجود چند **سنگ نبشته** که مفهوم آن مورد مناقشه است، تا چه حد می‌تواند امری پرابهام را قطعی کند؟! **هشت**

وجود **مزار کوروش** در مکانی که هم‌اینک تصور آن می‌رود نیز، از جمله پر مناقشه ترین مقولات درباره‌ی اوست. بسیاری از قائلان به وجود او، از محل دفن وی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. اسناد نیز نشان می‌دهد که تا دو سده قبل، از عمارتی که امروزه در **پاسارگارد** به نام اوست، به **مقبره مادر حضرت سلیمان** تعبیر می‌شده است! **نه**

بر حسب آنچه **کوروش‌گرایان** ادعا می‌کنند، بسا کشورهای عربی از قبیل: عربستان، یمن، سوریه، لبنان و... در قلمرو فرمانروایی **کوروش** بوده است. یعنی کوروش همان قدر که به فارس‌ها تعلق دارد، از آن **اعراب** نیز هست. بنابراین از چه روی عده‌ای **کوروش** را به وسیله‌ای برای حمله به اعراب برگزیده‌اند؟! **ده**

پاره‌ای پژوهشگران با گرایشات مذهبی نیز، در پی تطبیق علائم **کوروش** با برخی اشارات مندرج در کتب آسمانی برآمده‌اند. مثلاً برخی مدعی وجود سرگذشت **کوروش در تورات** شده‌اند. در این صورت پرسش این‌جاست که اینان از توراتی سخن می‌گویند که خدا ساخته است یا **حاکم** ساخته؟! به علاوه بنای کتب آسمانی، روایت تفصیلی داستان‌ها نیست، که اشاره‌ای گذرا و مصداقی است. عده‌ای از جمله **ابوالکلام آزاد** نیز در صدد چنین تطبیقی با قرآن برآمده‌اند، که ادعایی است در حد یک احتمال و غیر قابل قبول از سوی جمله‌ی مفسران. **یازده**

نکته‌ی جالب درباره‌ی کوروش‌نگاری‌های صد سال اخیر -که زنده‌یاد **جلال آل احمد** نیز بدان اذعان دارد- پرسش مضحک و به یکباره تاریخ از **کوروش** به **رضاخان** است! گویا این‌که تمامی پادشاهان زیسته در این بازه‌ی زمانی مطول، حشرات الارض بوده‌اند! شاید بتوان ریشه‌ی بسا تاریخ‌سازی‌ها در این فقره را، در همین واپسین نکته جست، از قبیل کارهای سفارشی **حسن پیرنیا** و دیگران. القاء این‌که **پادشاهی** در این مرزو بوم، سرنوشت ازلی و ابدی مردمان آن است و هر گرایش دیگری جز آن، بیهوده دست و پا می‌زند. **میاد که به باور چنین سخافتی تن در دهیم.**

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ